

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ اپریل ۲۰۱۹

سرکوب، قادر به خاموش کردن مبارزات کارگران نیست!

نگاهی به اخبار مبارزات کارگری در سراسر کشور، از پرونده سازی های بی شرمانه کارفرمایان و دولت حامی شان علیه کارگران و دستگیری کارگران معترض خبر می دهند. برای نمونه دادگاه بدوی اراک تعدادی از کارگران هپکو را به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات و تظاهرات غیرقانونی" به زندان محکوم کرد. جالب است که اتهام تعداد دیگری از کارگران این کارخانه "معاونت در اخلال در نظم عمومی از طریق تحریک کارگران" اعلام شده بود. در حالی که همگان شاهد بوده اند که تنها "جرم" کارگران هپکو این بود که جهت رسیدن به مطالبات بحق خود مبادرت به تجمع نموده و این تجمعات حق طبیعی آنها بوده و اخلاقی هم در نظم عمومی ایجاد نمی کرد. اتفاقاً اخلال به قول دشمنان مردم در "نظم عمومی"، آنجا رخ داد که کارفرما و مسئولین دولتی به خواست های بحق این کارگران پاسخ نداده و نیروی سرکوب را جهت لگدمال کردن مطالبات آنها به صحنه آوردند و جواب خواست های بحق و مسالمت آمیز کارگران را با باتوم نیروی مزدور و وحشی ضد شورش و گاز اشک آور و ضرب و شتم وحشیانه کارگران دادند. بنابراین اگر قرار بر تکیه بر واقعیت باشد قبل از هر چیز باید کارفرمای شرکت هپکو را به دلیل عدم پرداخت دستمزد کارگران محکوم نمود. چرا که عامل اصلی "تحریک کارگران" نه نمایندگان کارگران بلکه آن شرایط فقر و فلاکتی است که حرص و آز کارفرما و سود جوئی برون از اندازه وی ایجاد کرده است. جالب است که جمهوری اسلامی پس از این که احکام زندان بیدادگاه های خود را مانند "شمشیر داموکلس" برای مدتی بالای سر کارگران گرفت تا آتش اعتراضات آنها فروکش نماید؛ بنا به اطلاع وکیل کارگران هپکو در دادگاه تجدید نظر با رد این احکام، کارگران از اتهامات منتسب شده تبرئه شدند.

همچنین کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه خبر داده اند که شماری از کارگران این واحد تولیدی روز پنجشنبه ۲۳ اسفند [حوت] با امضای طوماری خواستار آزادی بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، فعال کارگری این مجتمع شده اند، که هنوز هم در بازداشت به سر می برد. بر اساس گفته های کارگران این مجتمع صنعتی، دادرسی شهر شوش تاکنون هیچ پاسخی به مراجعات مکرر مادر رنج دیده این فعال کارگری نداده و حتی قصد بازداشت این مادر را داشته است که به دلیل حمله قلبی نامبرده و انتقالش به بیمارستان از این امر خود داری نموده است. جدا از این، تاکنون برخی از کارگرانی که در اعتراضات این مادر ستمدیده، وی را همراهی می کردند نیز دستگیر و پس از تهدید آزاد شده اند.

از سوی دیگر از کارخانه لاستیک پارس ساوه خبر داده شده که کارفرمای این کارخانه از حضور دو کارگر این کارخانه که یکی از آنها نماینده کارگران این واحد تولیدی می باشد، در محل کار جلوگیری نموده، به بهانه این که کارگران را "تحریک به اعتراض" کرده اند، عملاً آنها را اخراج نموده است. این زورگویی بی شرمانه در حالی است که روز شنبه ۱۱ اسفند ماه [حوت]، یکی از کارگران پیمانکاری فاز ۱۳ پارس جنوبی در عسلویه - که تأکید کرده که نامش مطرح نشود- اطلاع داده که به محض این که اعتراض بکنیم، وارد بلکلیست (لیست سیاه) مان می کنند، یعنی نه تنها اخراج می شویم بلکه دیگر هیچ شرکتی در عسلویه و کنگان به ما کار نخواهد داد.

نمونه های فوق (به عنوان مثتی از خروار) نشان می دهند که در مقابل امواج بزرگ اعتراضات و مبارزات کارگران در سراسر کشور، که به خصوص به دلیل معوقات مزدی به یکی از رویداد های روزمره، تحت حاکمیت رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی بدل شده است، کارفرمایان و دولت حامی شان قبل از هر چیز به نیروی سرکوبی که برای همین روز ها تجهیز شده و آموزش دیده اند، متکی می باشند. به همین دلیل هم، هر جا کارگران به اعتراض بر می خیزند و دست به تجمع می زنند فوراً با نیروی سرکوبی مواجه می شوند که با شوکر و باطوم به درخواست کارفرما در صحنه حاضر شده است. در کنار این سرکوب عریان، پرونده سازی های بی شرمانه قرار دارد که همانطور که نشان داده شد، مدت ها کارگران را با زندان و دادگاه و گرفتن وکیل مشغول می سازند. البته فراخواندن نیروی سرکوب و پرونده سازی علیه کارگران به این معنا نیست که کارفرماها و مسؤولین دولتی از روش های فریبکارانه و دادن وعده های دروغین استفاده نمی کنند. بعکس از نظر آنها اتفاقاً چنان وعده هایی در شرایطی که چماق نیروی سرکوب و پرونده سازی های شرم آور کارفرما و دستگاه قضائی بالای سر کارگران معترض قرار دارد، آن هم وقتی که صفوف کارگران به دلیل فقدان تشکل های مستقل کارگری، پراکنده است، کارائی بیشتری برای پذیرش پیدا می کند.

نمونه های ذکر شده که به دلیل ابعاد گسترده مبارزات و تجمعات و اعتصابات کارگری در سراسر کشور تنها گوشه کوچکی از سرکوبگری های جمهوری اسلامی علیه کارگران را نشان می دهند، به روشنی بیانگر آنند که از یک طرف دیکتاتوری حاکم در برابر مطالبات بحق کارگران پاسخی جز سرکوب ندارد و از طرف دیگر، بورژوازی زالو صفت با تکیه بر سرنیزه جمهوری اسلامی حتی از پرداخت دستمزد نازل کارگران خود داری نموده و آنها را همراه با خانواده شان در فقر و گرسنگی رها می سازد. این واقعیت و اساساً سرکوبگری های حیات چهل ساله استبداد حاکم به همه کارگران و ستمدیدگان ثابت نموده است که کارگران برای دفاع از شرافت کارگری خویش و رسیدن به بدیهی ترین خواست های بحق شان چاره ای جز مبارزه علیه سرمایه داران حاکم در پیش ندارند. بیهوده نیست که در مبارزات کارگری شاهد سر داده شدن شعار "این آخرین پیام است جنبش کارگری آماده قیام است" بوده ایم، شعاری که نشان می دهد که طبقه کارگر در جریان زندگی و مبارزات خود دریافته که بدون نابودی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی هرگز به مطالبات بحق خود نخواهد رسید. تجربه مبارزات کارگران و زحمتکشان ثابت کرده که راه نابودی این دیکتاتوری لجام گسیخته هم همانا مبارزه قهر آمیز و مسلحانه و تشکل در این مسیر می باشد.

در مقابل کارگران مبارز ایران برای رهایی از ستم و استثمار سرمایه داران و رژیم های دیکتاتور حامی آنان، هیچ راهی جز متشکل شدن و انجام مبارزه مسلحانه علیه همه دشمنان طبقه کارگر قرار ندارد. درست به همین دلیل است که چریکهای فدائی خلق همواره از کارگران آگاه خواسته اند که در جهت ایجاد تشکل های سیاسی-نظامی گام بردارند، تا قادر شوند با مبارزات توأمان سیاسی و نظامی در طی پروسه ای در سد دیکتاتوری حاکم شکاف اندازند و به این ترتیب شرایط مبارزه را به نفع خود تغییر داده و قادر به متشکل کردن کل طبقه کارگر گردند. تنها در بستر یک مبارزه

سیاسی-نظامی است که کارگران می توانند امکان پاره نمودن زنجیر های اسارتشان و رسیدن به آزادی را به دست آورند.

به نقل از: ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۳ ، پانزدهم فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۸